



از انظار استادی محترم آید
تعمیرات



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۱۳۸۱ / ۸ / ۲۰

اعتبار علم قاضی در ادله اثبات دعوی

نگارش:

محمد رضا عقیقی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر امیر ناصر کاتوزیان

استادان مشاور:

جناب آقای دکتر سید حسین صفایی

جناب آقای دکتر روشنعلی شکاری

پایان نامه برای اخذ درجه دکتری

در

رشته حقوق خصوصی و اسلامی

۴۲۵۵۵

نیمسال دوم

سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰

فرم ارزیابی رساله دکتری



دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: حقوق خصوصی و اسلامی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی ممتنع دکتری دانشجویان دانشگاه تهران

آقای: ^{۱۳۸۷} محمد رضا عقیقی به شماره دانشجویی: ۲۱۰۵۷۳۰۰۱ در رشته: حقوق خصوصی
گرایش: حقوق خصوصی پایان نامه خود به ارزش: ۲۰ واحد را که در نیمسال اول سال تحصیلی: ۱-۷۹۸۰-۱
اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: اعتبار علم قاضی در ادله اثبات دعوی

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر کاتوزیان استاد مشاور: دکتر صفایی استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر شکاری
در تاریخ: ۸۱/۷/۲۹ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (مرتبت / عدم مرتبت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر امیرناصر کاتوزیان	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر سیدحسین صفایی	استاد	" " "	
۳- استاد مشاور: دکتر روشنعلی شکاری	استادیار	" " "	
۴- استاد داور: دکتر عباس کریمی	استادیار	" " "	
۵- استاد داور با: دکتر امیرحسین آبادی استاد مشاور دوم		دانشگاه شهید بهشتی	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارزیابی رساله

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده با سلام، نظریه اعلام نمره نیایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خوارشمنند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر سیدعزت اله عراقی امضاء و تاریخ:
۸۱/۷/۲۹

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.
تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تخصصی آفندی برای دانشکده، دفتر آفندی برای نسو، مس. ۱۳۸۱/۷/۲۹

«شناسنامه رساله‌های دکتری»

این دستور معرفی در رساله‌های کنسی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی گروه حقوق خصوصی و اسلامی تاریخ دفاع: ۱۳۸۱/۷/۲۹

۱- عنوان: اعتبار علم قاضی در ادله اثبات دعوی

۲- دانشجو: محمدرضا عقیقی تلفن: ۶۴۰۵۱۷۰۰۲ شناسی قوه قضائیه واحد مشاورت

۳- استاد راهنما: دکتر امیر ناصر کاتوزیان تلفن مستقیم: ۶۱۱۲۵۴۵ ساعات تماس: دوشنبه‌ها از ۱۰ تا ۱۲

شناسی: دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشگاه تهران

۴- چکیده (به گونه‌ای ساده و روان که مورد توجه ممکن قرار گیرد)

درباره اعتبار علم شخصی قاضی برای اثبات دعوی در فقه اسلام نظرات مختلفی ابراز گردیده است، و نظر مشهور فقیهان ما بر حجیت و اعتبار آن به عنوان طریق مستقل برای اثبات دعاوی تعلق گرفته است، خواه موضوع دعوی حق الله باشد و خواه حق الناس؛ بر این نظر ادعای اجماع شده و پیروان آن به دلایلی از کتاب و سنت و عقل نیز استدلال کرده‌اند.

در حقوق ایران، بر اساس قوانین مدون، علم قاضی در دعاوی کیفری به عنوان دلیل مستقل اثبات دعوی حجت شناخته شده، به شرط آن که از راههای عادی و متعارف به دست آمده باشد.

ولی، در دعاوی حقوقی قانونگذار علم قاضی را تنها در صورتی که بر مبنای اسناد یا امارات استوار باشد، در عداد دلایل اثبات دعوی قرار داده است؛ و چون در سایر دلایل نیز ارزیابی نهایی با دادرس خواهد بود، در واقع علم قاضی دلیل غیرمستقیم اثبات دعوی به شمار می‌رود.

در هر حال، قاضی اگر بر اساس علم مبادرت به صدور رأی کند، مکلف است به طور مستدل مستندات حصول علم خویش را در متن دادنامه ذکر نماید، تا امکان ارزیابی و نظارت در آن از سوی دادگاه بالاتر به منظور احراز رعایت معیارهای علم معتبر وجود داشته باشد.

در این رساله به تفصیل در مورد مسایل بالا و رویه قضایی ما در این زمینه بحث و بررسی شده است.

لفظاً چکیده جداگانه‌ای را هم برای ارائه در سیستم اینترنت ارسال فرمایید

در روابط عمومی دانشگاه تهران - واحد مطالعات و انتشارات:

تلفن: ۶۴۰۵۰۴۷ - ۶۱۱۲۹۳۳

«اهدای رساله»

این رساله را که پایان‌نامه تحصیلی نگارنده در مقطع دکترای رشته حقوق خصوصی و اسلامی است، به استاد گرانقدر جناب آقای دکتر ناصر کاتوزیان هدیه می‌کنم. استادی که خداوند متعال، در حدود سی سال قبل با شروع تحصیلات این جانب در رشته حقوق، نعمت خوشه‌چینی از خرمن فضل و دانش ایشان را به بنده عطا فرمود.

دانشمند وارسته و محقق اندیشمندی که در طول مدت تحصیل نگارنده در دانشگاه تهران، در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی، برای راقم این سطور نه تنها استاد حقوق، که معلم اخلاق هم بود.

تجربیات قضایی و تحقیقات علمی و دانشگاهی ایشان که حاصل حدود نیم قرن از عمر شریف استاد است، در کتابهای متعددی گنجانیده شده و سرمایه‌ای ماندگار و ارزشمند برای قضات و وکلای دادگستری و کارشناسان و مشاوران حقوقی و دانشجویان این رشته و پژوهشگران ساحت حقوق کشورمان فراهم آورده است.

با این همه، کسانی که توفیق درک محضر استاد و نشستن در کلاس درس ایشان را داشته‌اند، اضافه بر دسترسی به سرمایه مکتوب یاد شده، نکته‌های فراوان دیگری هم آموخته‌اند که در کتاب و دفتر قابل گنجایش نیست. روش و منش استاد با عدالت و ایمان و پرهیزکاری عجیب بوده و اخلاق عملی ایشان تأثیر بسزایی بر روح دانشجویان طالب حق و عدل داشته و دارد.

نگارنده در پایان راه تحصیلات رسمی و کلاسیک خود نیز این افتخار را پیدا کرد که از ارشادات معظّم‌له به عنوان «استاد راهنما» در این رساله بهره‌مند گردد و به شکرانه این نعمت، آغاز رساله حاضر را با اهدای آن به محضر شریف استاد آذین می‌بندد و برای ایشان عمر طولانی توأم با عزت و سلامت کامل از درگاه حضرت حق جلّ جلاله طلب می‌کند.

محمد رضا عقیقی

تابستان ۱۳۸۱

«چکیده رساله»

درباره اعتبار علم شخصی قاضی برای اثبات دعوی در فقه اسلام نظرات مختلفی ابراز گردیده است، و نظر مشهور فقیهان ما بر حجیت و اعتبار آن به عنوان طریق مستقل برای اثبات دعاوی تعلق گرفته است، خواه موضوع دعوی حق الله باشد و خواه حق الناس؛ بر این نظر ادعای اجماع شده و پیروان آن به دلایلی از کتاب و سنت و عقل نیز استدلال کرده‌اند.

در حقوق ایران، براساس قوانین مدون، علم قاضی در دعاوی کیفری به عنوان دلیل مستقل اثبات دعوی حجت شناخته شده، به شرط آن که از راههای عادی و متعارف به دست آمده باشد.

ولی، در دعاوی حقوقی قانونگذار علم قاضی را تنها در صورتی که بر مبنای اسناد یا امارات استوار باشد، در عداد دلایل اثبات دعوی قرار داده است؛ و چون در سایر دلایل نیز ارزیابی نهایی با دادرس خواهد بود، در واقع علم قاضی دلیل غیرمستقیم اثبات دعوی به شمار می‌رود.

در هر حال، قاضی اگر براساس علم مبادرت به صدور رأی کند، مکلف است به طور مستقل مستندات حصول علم خویش را در متن دادنامه ذکر نماید، تا امکان ارزیابی و نظارت در آن از سوی دادگاه بالاتر به منظور احراز رعایت معیارهای علم معتبر وجود داشته باشد.

در این رساله به تفصیل در مورد مسایل بالا و رویه قضایی ما در این زمینه بحث و بررسی شده است.

سپاسی که از برگ گل پاکتر
ز آوای بلبل طربناکتر

«سپاسگزاری»

ستایش و سپاس بی پایان مخصوص خداوندی است که دانای آشکار و نهان است. آفریدگاری که با آفرینش انسان و آموختن آنچه نمی دانست به او، صفت اشرف مخلوقات را شایسته وی کرد. یکتای بی همتایی که با سوگند بر قلم و آنچه می نویسد، به علم و دانش شرف و فضیلت داد؛ و با استفهام انکاری «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» جایگاه دانشمندان را برجسته فرمود.

سلام و درود بر رسولان و پیامبران الهی، خصوصاً بر آخرین آنان حضرت محمد مصطفی (ص) که طلب دانش را بر پیروان خود فرض و لازم دانست؛ و بر فراگیری آن ولو در نقاط دور دست (مانند چین) دستور داد؛ و با تعیین گستره دانش اندوزی میان گهواره و گور، نیاز همیشگی انسان به علم را نمایاند.

سلام و صلوات بر امامان معصوم (ع) که مشعلداران انسان در نیل به سعادت دنیا و آخرت بوده و هستند، بویژه بر دوازدهمین آنان که دادخواهان و عدالت دوستان جهان ظهورش را انتظار می کشند.

درود خالصانه بر تمامی معلمان و استادان بزرگواری که با شوق و اخلاص، تشنگان دانش را سیراب و اخلاق آنان را تهذیب می نمایند.

با سپاس بیکران از اساتیدی که نگارنده در طول تحصیل در دانشگاه تهران از محضرشان کسب فیض نموده و همیشه دعاگوی آن ذوات محترم خواهد بود؛ بویژه استادان ارجمند راهنما و مشاور و داور در تهیه و تدوین و تصویب این رساله؛ و با طلب رحمت و رضوان الهی برای استاد فقید مرحوم دکتر جواد واحدی که برگردن صاحب این قلم حقی بزرگ داشت.

و سرانجام، با سپاس از همسر فداکارم که در این مقطع نیز - همانند مقطع کارشناسی ارشد - مشوق نگارنده در ادامه و اتمام تحصیلات بود، و با تحمل مشکلاتی که بر عهده وی نبود، شرایط دشوار این مرحله را (در کنار اشتغال فرهنگی خود و اشتغال قضایی و تحصیلی نگارنده) بر خویش هموار ساخت.

خدایش پاداش دنیا و آخرت عطا فرماید.

فهرست عنوانهای اصلی

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۶	بخش نخست: کلیات
۷	گفتار نخست - مفهوم واژه‌های مورد استفاده
۳۰	گفتار دوم - اقسام حق
۴۹	گفتار سوم - شیوه‌های اساسی پذیرش دلیل
۵۲	بخش دوم: بررسی علم قاضی در حقوق اسلام
۵۳	فصل نخست - فقه امامیه
۵۳	گفتار نخست - قول به حجّیت مطلق علم قاضی
۷۱	گفتار دوم - قول به عدم حجّیت مطلق علم قاضی
۷۸	گفتار سوم - قول به تفصیل بین حقوق مردم و حقوق خدا
۸۳	فصل دوم - فقه عامّه
۸۳	گفتار نخست - مذهب حنفی
۸۵	گفتار دوم - مذهب شافعی
۸۶	گفتار سوم - مذهب مالکی
۸۷	گفتار چهارم - مذهب حنبلی
۸۸	گفتار پنجم - مذاهب دیگر
۸۹	بخش سوم: بررسی علم قاضی در حقوق موضوعه ایران
۹۰	گفتار نخست - قاعده بیطرفی قاضی و منع او از تحصیل دلیل

- گفتار دوم - ورود واژه علم قاضی در قوانین مدون ۹۳
- گفتار سوم - ضوابط و شرایط اعتبار علم قاضی ۹۵
- گفتار چهارم - معیار بودن نظر و علم قاضی در ارزیابی سایر دلایل ۱۰۰
- گفتار پنجم - ضمانت اجرای رعایت شرایط اعتبار علم قاضی ۱۰۸
- گفتار ششم - نگاهی به رویه قضایی ۱۱۵
- بخش چهارم: علم قاضی در حقوق فرانسه ۱۲۳
- گفتار نخست - علم قاضی در حقوق کیفری فرانسه ۱۲۵
- گفتار دوم - علم قاضی در قوانین حقوقی فرانسه ۱۲۸
- «خاتمه» ۱۳۴

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

مقدمه

۱. مدخل بحث - اهمیت علم حقوق:

دانش حقوق در میان سایر رشته‌های دانش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا: از یک سو، انسان مدنی بالطبع است و به عنوان موجودی اجتماعی ناگزیر از زندگی با هم‌نوعان خویش است. او، به حکم طبیعت، در اجتماع کوچک پدر و مادر زاده می‌شود و در سایه مراقبت‌ها و عواطف این گروه، نیازمندیهای مادی و معنوی خویش را تأمین می‌کند. پس از گذشت دوران کودکی نیز ناچار است که با دیگران به سربرد و با همکاری آنان خواسته‌ها و نیازهای خود را تأمین کند.

از نظر مادی، انسان موجود ناتوانی است که به تنهایی توانایی مبارزه با طبیعت و دشواریهای زندگی را ندارد. همه باید به هم یاری کنند و هر یک گوشه‌ای از این بارگران را به دوش کشد، تا از مجموع قوای ناچیز آنها نیرویی بزرگ به وجود آید و با چیره شدن بر طبیعت، محیط را آماده زیستن کند. از جهت معنوی نیز انسان محتاج به محبت است و در همه حال خود را نیازمند الفت و معاشرت با سایرین می‌بیند. می‌خواهد دوست بدارد و دیگران نیز دوستش بدارند و همین نیاز یکی از عوامل مهمی است که او را به سوی اجتماع می‌کشاند.

از سوی دیگر، خواسته‌های آدمیان به حکم فطرت، با هم شباهت زیاد دارد: همه می‌خواهند در روابط خود با دیگران کمتر ضرر ببینند و هر چه بیشتر سود ببرند، همه طالب زندگی آسوده و قدرت بیشتر هستند. پس، طبیعی است که نزاع و خصومت برای جلب منافع بیشتر و تأمین زندگی بهتر درمی‌گیرد.^(۱)

منشاء و سرچشمه این نزاع هم‌غریزه حبّ ذات و خودخواهی است، تا جایی که ستم را از عادات

غریزی و طبیعی انسان دانسته و آورده‌اند که: «الظلم من شیم النفوس فمن یکن ذاعفة فلعله لا یظلم».^(۲) نفس اماره همه انسانها را به بدی فرمان می‌دهد و تنها آنان که با تزکیه و تهذیب اخلاق، مورد رحم و لطف خداوند قرار گیرند، می‌توانند نفس سرکش را به بند کشند و مهار کنند. بدیهی است که چون بتای اجتماع انسانها با آشوب و زورگویی امکان ندارد، ضروری است قواعدی بر روابط اشخاص در جامعه حکومت کند که این قواعد، علم حقوق را تشکیل می‌دهد و جوینده این دانش، در نخستین روزهای ورود به دانشکده، به عنوان یکی از معانی واژه «حقوق» می‌خواند: «مجموع مقرراتی است که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند»؛^(۳) و بعدها با گسترش مطالعات خود و عنایت به این که خمیر مایه و هدف اصلی حقوق برقراری قسط و عدالت است، تعریف کامل و جامع «حقوق» را چنین می‌آموزد:

«مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود».^(۴) روشن است که علم حقوق با این تعریف و هدف، تأمین‌کننده نظم و آرامش و ثبات و امنیت در اجتماع انسانها است و بدین ترتیب، بستر و زمینه لازم برای رشد و شکوفایی سایر رشته‌های دانش در جامعه فراهم می‌گردد.

۲. اهمیت ادله اثبات دعوی:

در درون دانش حقوق نیز «ادله اثبات دعوی» از موقعیت مهمی بهره‌مند است: ناگفته پیدا است که مجرد دارا بودن «حق» در مرحله ثبوتی، برای افراد در اجتماع تا آن جا مفید است که مورد تعرض و تجاوز از ناحیه شخص یا اشخاص دیگر واقع نشود و تهذیب و تزکیه بر نفوس انسانها حاکم و خوی خودبینی و فزون خواهی در آنها مهار گشته باشد. چون در عمل چنین نیست و به گواهی آمار پرونده‌های مطروحه در دادگستریها، در روابط اجتماعی تجاوز و تعدی به حق دیگران بسیار اتفاق

۲- به نقل از: مرحوم استاد محمد سنگنجی: قضا در اسلام، ص ۲۶.

۳- دکتر ناصر کاتوزیان: مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ش ۱، ص ۱.

۴- دکتر ناصر کاتوزیان: فلسفه حقوق، ج ۱، ش ۲۶۳، ص ۶۶۶.

می‌افتد (که الزاماً در همه موارد نیز با سوءنیت همراه نیست و چه بسا متجاوز، به گمان صاحب حق بودن خویش مبادرت به دست‌اندازی بر حق غیر نموده باشد)؛ طبیعی است که صاحب حق مورد تجاوز، برای احقاق حق چاره‌ای جز دادخواهی در تشکیلات قضایی رسمی مملکت و اقامه دعوی به طرفیت متجاوز (اعم از صدق عنوان جزایی و طرح شکایت کیفری و یا صدق عنوان حقوقی و تقدیم دادخواست لازم) ندارد. در این مرحله، او باید به عنوان مقدمه ضروری، ضمن بهره‌گیری از یک یا چند دلیل از ادله اثبات دعوی، بتواند حقی را که در مرحله ثبوتی دارد، در مرحله اثباتی نیز بر دادگاه ثابت و مدلل کند؛ وگرنه از دعوی خود طرفی نمی‌بندد و با محروم شدن از حمایت ضمانت اجرای قانونی، حق وی تنها وصف اخلاقی پیدا می‌کند و ادای آن به میل و اراده شخص متجاوز - ولی دادبرده - وابسته می‌شود. پس، چون کمال و تمامیت حق در کاربرد آن است و در منازعات، لازمه این کاربرد، اثبات اصل حق با استفاده از ادله اثبات دعوی است، اهمیت این ادله در رشته حقوق واضح می‌باشد.

۳. اهمیت «علم قاضی» در ادله اثبات و سابقه طرح آن:

سرانجام، در میان آنچه به عنوان ادله اثبات دعوی در دانش حقوق مورد مطالعه و آموزش قرار می‌گیرد، «علم قاضی» جایگاه مهمی دارد. زیرا: چنان که بعداً روشن خواهد شد، علم دادرس در رأس بقیه دلایل و به مثابه معیار و میزان ارزیابی و سنجش تأثیر آنها می‌باشد؛ یعنی، سایر ادله مانند اقرار و شهادت و اسناد و سوگند، تا جایی در اثبات دعوی مؤثر خواهند بود که با علم و قطع دادرس مخالف نباشند. وگرنه، کاربرد و قدرت اثباتی خود را در دعوی مطروحه از دست می‌دهند.

اگر چه این بحث، یعنی علم قاضی، در کتابهای فقهی با سابقه‌ای بیش از هزار سال قبل، طرح گردیده و فقیهان متأخر و معاصر نیز، در تصنیفات و تألیفات خویش، کم یا بیش، متعرض آن شده و به نظرهای گوناگون در این باره اشاره کرده‌اند (که به زودی به طرح و نقد و بررسی نظریه‌های ابراز شده خواهیم پرداخت)؛ و هر چند پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هم، اگر نه در قوانین مدون، ولی در کتابهای پاره‌ای از استادان حقوق که انس و الفتی با فقه اسلام داشته‌اند؛^(۵) و نیز در برخی از آرای

۵- برای نمونه رک. الف - دکتر سید حسن امامی: حقوق مدنی، ج ۶، ص ۲۴۶ که در بحث کارشناسی، پس از آوردن ماده ۴۶۰

صادر شده،^(۶) به علم دادرسی عنایت وجود داشته، اما چون از سال ۱۳۶۱ برای نخستین بار، این مطلب به طور رسمی در بعضی قوانین موضوعه ایران وارد و مطرح گردیده است، و جز در برخی نوشته‌های دانایان حقوق به طور کامل مورد تحلیل قرار نگرفته است، از این رو دارای جنبه‌هایی است که به نظر می‌رسد نیاز به بحث و بررسی دارد. به همین انگیزه نویسنده این رساله، به راهنمایی استاد دانشمند جناب آقای دکتر کاتوزیان، مصمم شد این موضوع را به عنوان پایان نامه تحصیلی در دوره دکترای حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران برگزیند، و به قدر توان ناچیز خویش در این باره تحقیق و بررسی نماید.

یادآوری این نکته ضروری است که چون فقیهان اسلام، در مقام بحث از قضا و شهادت بین دعوی جزایی و دعوی حقوقی قایل به تفصیل نشده‌اند و احکام مربوط به ادله اثبات را به طور مشترک و مختلط بیان کرده‌اند، و قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر سابقه فقهی مزبور، در پاره‌ای از قوانین مصوب، به اشتراک و اختلاط موصوف گرایش داشته و به عنوان مثال، برخی از مقررات و قواعد مربوط به مسئولیت مدنی را در قانون مجازات اسلامی تدوین و تصویب کرده و یا با حذف تقسیم‌بندی مألوف و مانوس دادگاهها به دادگاههای حقوقی و دادگاههای کیفری، در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳) وحدت دادگاهها و صلاحیت عام آنها در رسیدگی به دعوی کیفری

>---- قانون آیین دادرسی مدنی (سابق) به این شرح: «در صورتی که عقیده کارشناس با احوال محقق و معلوم مسأله موافقت نداشته باشد، دادگاه متابعت آن عقیده را نمی‌نماید؛ اضافه کرده‌اند: «زیرا در این صورت دادگاه علم به بطلان نظر کارشناس پیدا می‌کند». و یا در جای دیگر از همان کتاب نوشته‌اند: «...چون حکم دادرسی باید بر علم و قطع یا امری که قانون آن را قیام مقام قطع شناخته است مبتنی باشد، بنابراین در هر موردی که از اوضاع و احوال خارج، دادرسی علم بر وجود حق برای مدعی در زمان رسیدگی پیدا نماید، طبق آن حکم صادر می‌کند و در هر موردی که از اوضاع و احوال علم پیدا ننماید، اثری به آن نمی‌دهد...» (ص ۲۶۲).

ب - دکتر احمد متین دفتری: آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۳، ص ۴۰۲: «... از تحقیق محلی باید برای دادرسی نسبت به حقانیت یا عدم حقانیت ادعای درخواست‌کننده آن علم حاصل شود...» و نیز در محل دیگری از همان کتاب می‌خوانیم: «معاینه محل طریقه‌ای است که موجبات علم قاضی را به وسیله تحصیل معرفت شخصی در امور مختلف فیه فراهم می‌آورد...» (ص ۴۳۳).

ج - دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی: ترمینولوژی حقوق، اصطلاح ش ۳۷۴۱، ص ۴۶۸؛ و نیز: دانشنامه حقوقی، ج ۴، ص ۷۰۵.

۶- به عنوان نمونه، در حکم شماره ۱۸۷۵ مورخ ۱۳۱۶/۸/۱۸ دیوان عالی کشور چنین آمده است: «اصولاً در امور جزایی تنها اقرار متهم بدون این که در باب صحت و اعتبار آن تحقیقاتی به عمل آمده و قراینی در تأیید آن موجود باشد، موضوعیت نداشته و ممکن است طریق علم و استنباط محکمه در تشخیص تقصیر متهم واقع شود، نه آن که به طور کلی و قطع نظر از طریقت آن بر ضرر متهم دلیل و حجت قانونی به شمار رود، بلکه در مقام حکم به ارتکاب، فقط دلایل و شواهد اقناع‌کننده مناط اعتبار خواهد بود.» (ش ۵۹ مجموعه حقوقی، به نقل از: مرحوم دکتر محمد علی هدایتی: آیین دادرسی کیفری، ص ۷۲).

و حقوقی (بدون نصاب) را مقرر داشته است؛ از این رو در تحقیق حاضر نیز ناگزیر باید در مواردی به حیطه حقوق جزا وارد گردید تا نقصانی در بحث حاصل نیاید. بدیهی است تکیه اصلی رساله، چنان که از عنوان آن پیدا است، بر موضوعات و مسایل مرتبط با ادله اثبات دعوی در حقوق خصوصی خواهد بود.

پس از این مقدمه، در چهار بخش به ترتیب زیر:

بخش نخست: کلیات

بخش دوم: بررسی علم قاضی در حقوق اسلام

بخش سوم: بررسی علم قاضی در حقوق موضوعه ایران

بخش چهارم: علم قاضی در حقوق فرانسه

به بررسی موضوع می پردازیم و در خاتمه از مجموع مباحث طرح شده نتیجه گیری خواهیم کرد.

بخش نخست

کلیات